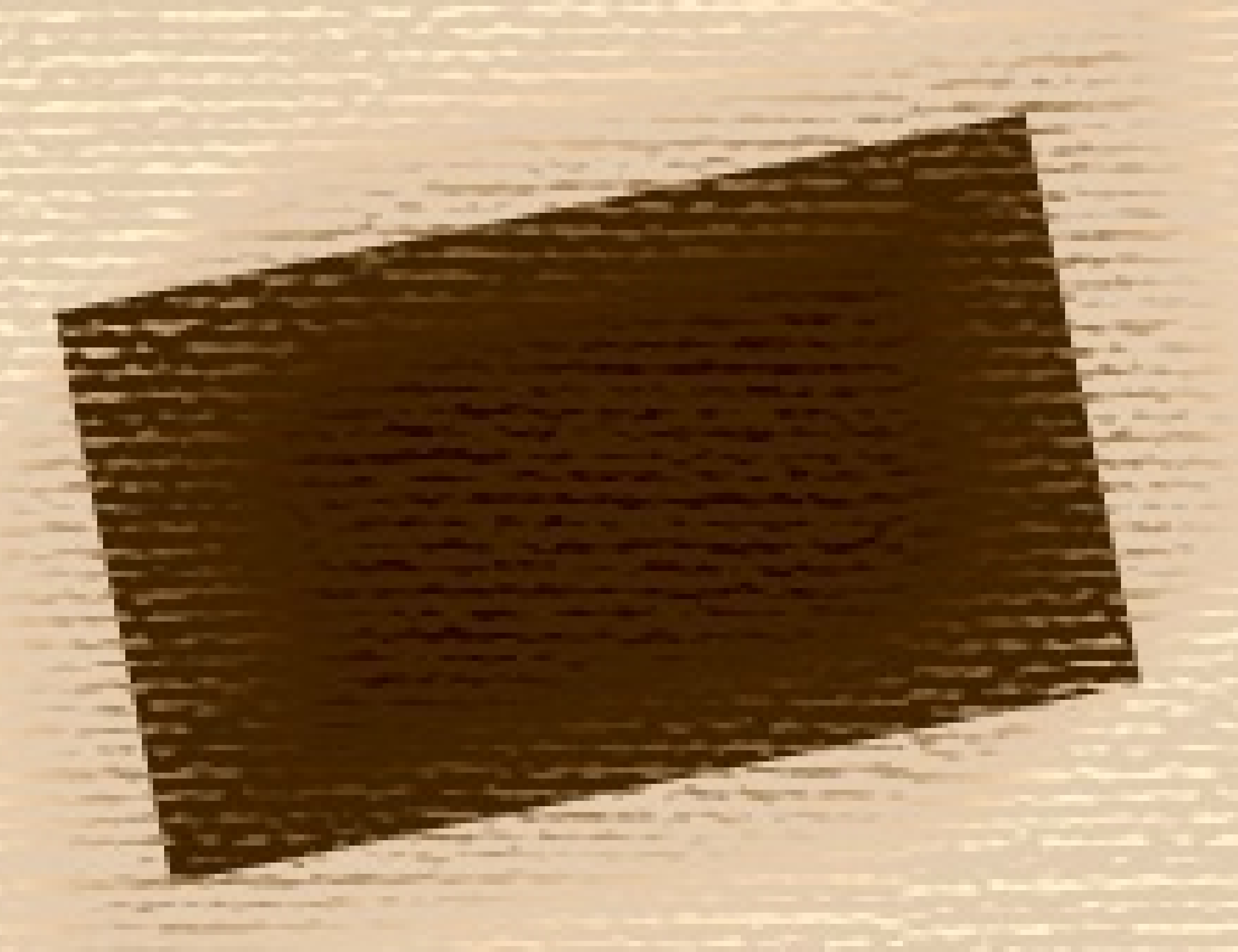


آشنایی با

کتاب ایقان


بسم الله الرحمن الرحیم

آشنایی با کتاب ایقان

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آشنایی با کتاب ایقان

مشخصات کتاب

برگرفته از: سایت بهائی پژوهی

کتابشناسی

کتاب ایقان به گفته ی شوقی افندی، بزرگترین وقدیمی ترین کتاب بهائیت محسوب می شود. این کتاب توسط میرزا حسینعلی بها برای اثبات دعاوی سید علی محمد باب در سالهای ۱۲۷۷ یا ۱۲۷۸ یا ۱۲۸۰هجری قمری نوشته شده است. نویسنده در این کتاب خود را" خادم فانی "و عبد فانی "وبرادر کوچکتر خودش را که جانشین باب بوده "مصدر امر" و"کلمه مستور " "وباب را" نقطه" نامیده است.این کتاب نشان از اعتقاد راسخ نویسنده به دعاوی سید باب دارد بدون اینکه برای خود کوچکترین حق و مقامی قائل باشد. او این کتاب را برای خال و دایی بزرگ سید باب یعنی سید محمد تاجر شیرازی نوشت (موقعی که وی برای زیارت عتبات عالیات به عراق آمده بود) تا او را هم بابی گرداند.اما این کتاب هیچ تاثیری در او نداشت و همچنان بر عقیده ی پدران خویش استوار بود تا اینکه از دنیا رفت و بنا بر وصیتش در حرم مطهر حضرت شاهچراغ شیراز مدفون گردید که شاهد بر مسلمانی اوست. شوقی گفته است میرزا حسینعلی خواسته است با نوشتن این کتاب گامی در جهت تکمیل کتاب" بیان" بردارد که قرار بوده در نوزده واحد و۳۶۱ باب باشد ولی نا تمام و ناقص بوده و همچنان ناقص مانده است. میرزا حسینعلی در سال ۱۳۰۸ (یک سال پیش از فوت) پسرش میرزا محمد علی غصن اکبر را به همراه میرزا آقاجان خادم منشی حضور را از عکا به بمبئی فرستاد تا آثار خطی او را به چاپ رساند.او چنین کرد (و از این بابت حق بزرگی بر گردن بهائیان دارد اگر چه او را بعد ها بخاطر اختلاف با عباس عبدالبها پسر دیگر که زمام بهائیان را به دست گرفت ناقض و ملعون نامیدند) و بعد از چاپ اعلان نمود همه ی نسخ قبلی بی اعتبار است و باید نسخه های دیگر بر اساس آن تصحیح شود. او این کتاب را بعد از مراجعت از کوههای سلیمانیه به بغداد نوشت زمانی که بخاطر بدبینی های بابیان به او به جهت توطئه برای کنار زدن برادر کوچکترش از جانشینی باب ناگزیر شده بود با عنوان درویش محمد بطور ناشناس دوسالی را به آن نواحی به میان دراویش سنی برود و تاثیر این مجالست وهمنشینی با دراویش در عبارات کتابش کاملاً پیداست. استاد محیط طباطبائی معتقد است این رساله ی تقلیدی از اسلوب انشای فارسی منسوب به سید باب بوده که نویسنده اش می خواسته حقانیت امر سید باب را اثبات و در ضمن مشق و تمرینی از کار تکمیل بیان فارسی کرده باشد. در سال ۱۳۱۰ نسخه ای دیگر از ایقان انتشار یافت که با این چاپ تفاوت هایی داشت زیرا دیگر اختلافات درونی بهائیان و ازلیان بالا گرفته بود و برخی عبارات بها در ایقان درباره برادرش می توانست متمسک خوبی برای ازلیان باشد که خود داستان مفصلی دارد و نیز صد ها مورد انتقاد از لحاظ املا و انشا و کیفیت روایت ونقل که باید تصحیح می شد در این چاپ تغییر یافت. نقدهای گوناگونی از حیث ادبی و مفهومی بر این کتاب نوشته شده است.بعضی ۸۴ خطا و بعض دیگر ۱۵۴ اغلاط و اختلافات لفظی و معنوی نسخه های چاپی و خطی و برخی تصرفات در آیات قرآنی را نشان داده و مبانی استدلال های آن را با منطق وعقل نقض کرده اند

تاریخ و انگیزه نگارش

گفته شد شوقی افندی، ایقان را بزرگ ترین و قدیمی ترین کتاب بهائیت محسوب می نماید. اینک عین عبارت او را از کتاب قرن بدیع جلد دوم صفحه ۱۴۷ نقل می نمائیم": در بین جواهر اسرار مخزونه و لئالی ثمینه مکنونه که از بحر زخار علم و حکمت

حضرت بهاءالله ظاهر گردیده اعظم و اقدم آن کتاب مستطاب ایقان است که در سنین اخیره ی دوره ی اقامت بغداد (۱۲۷۸ هجری قمری مطابق ۱۸۶۲ میلادی) طی دو شبانه روز از قلم مبارک نازل گردیده و با نزول آن بشارت حضرت باب تحقق پذیرفت و وعده ی الهی که حضرت موعود، بیان فارسی را که ناتمام مانده تکمیل خواهد فرمود به انجاز پیوست "چنان که ملاحظه می فرمائید شوقی عبارت" اعظم " و "اقدم " را برای ایقان بکار برده و سال نگارش آن را ۱۲۷۸ قمری دانسته و مدت انزال آن را" دو شبانه روز "ذکر نموده است. شوقی با این عبارتش مرتکب دو خطای عمده شده زیرا بکار بردن عبارت متمم بیان فارسی برای ایقان، نادرست است به این دلیل که بیان فارسی وعربی طبق گفته باب قرار بوده ۳۶۱ باب داشته باشد (۱۹ واحد که هر واحد ۱۹ باب داشته باشد) در حالیکه باب فقط توانست ۱۶۲ باب از بیان فارسی (باب دهم از واحد نهم) و۲۰۹ باب از بیان عربی (آخر واحد یازدهم) را بنویسد و اضافه شدن دو باب ایقان به ۱۶۲ باب بیان فارسی دردی را نمی گشاید. و هنوز تا ۳۶۱ باب وعده داده شده توسط باب که موعود بیان می بایست تکمیل کند ۱۹۷ باب کم دارد.پس معلوم است باید بابیان دنبال کس دیگری به عنوان موعود بیان باشند تا واقعاً بیان فارسی و عربی را تکمیل کند تا وعده ی باب به انجاز رسیده باشد و کتاب او متمم بیان فارسی باشد.تازه هنوز تتمیم بیان عربی روی زمین مانده است که آن خود موضوع را پیچیده تر می کند!! خطای دیگر شوقی این است که وی سال نگارش ایقان را سال ۱۲۷۸ دانسته است وحتماً این را از عبارت خود میرزا حسینعلی در ایقان استفاده کرده که می گوید: هیجده سنه می گذرد که بلایا از جمیع جهات مثل باران بر آنها (بابی ها) باریده "که با اضافه کردن ۱۸ به ۱۲۶۰– سال اعلام بابیت باب – سال ۱۲۷۸بدست می آید. اما شوقی یادش رفته که خود میرزا در جای دیگر همین کتاب می گوید": باری هزار و دویست و هشتاد سنه از ظهور نقطه فرقان گذشت "وبه این ترتیب زمان نگارش ایقان را حداقل تا سال ۱۲۸۰مستمر و ادامه دار ذکر نموده است! یعنی نگارش ایقان حداقل دو سال طول کشیده است از سال ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۰. و بدین ترتیب ادعای نوشته شدن ایقان در دو شبانه روز توسط شوقی امری خلاف واقع و ادعایی گزاف می نماید و بهائیان را با چالش جدی روبرو می سازد و سخن رهبر آخرشان را در مورد اعظم کتب بهائیان بی اعتبار می کند. نکته دیگری که در قسمت نخست آمد ایمان دایی سید باب است: گفته شد رساله ی خالویه که بعد ها ایقان نامیده شد را میرزا حسینعلی برای دعوت دایی سید باب (سید محمد تاجر شیرازی) نوشت تا او را به دعوت جدید مومن گرداند.علیرغم ادعای عبدالبها در مورد ایمان آوردن نامبرده، مورخان او را تا آخر عمر مسلمانی معتقد ونه بابی شمرده اند. به نقل از کتب مورخانی همچون تذکره ی فسائی در ذکر رجال شیراز و مدفون شدن نامبرده طبق وصیتش در جوار حرم حضرت شاهچراغ در کنار اجدادش. واگر او بابی می شده همچون رویه ی سایر بابیان مثل اصحاب بدشت و ضوضاهای سه گانه از دید همشهریان و مورخان مخفی نمی مانده است.گر چه فرضاً ایمان هم آورده باشد دلیل درستی مطالب ایقان نمی توانست باشد و باید خود مطالب ایقان مورد ارزیابی واقع گردد که در قسمت بعد به آن خواهیم پرداخت.

تحقیقات قبلی پیرامون ایقان

چنان که از مطالب ایقان بر می آید نویسنده در هنگام نوشتن آن، اعتقاد جزم به دعاوی سید باب داشته، اسلام را منسوخ و دوره ی قرآن را پایان یافته و دین جدید را شرع بیان و کتاب آسمانی این آئین را" بیان "واحکام آن را واجب الاتباع می دانسته است. او باب را در ردیف انبیای اولوالعزم وبلکه بالاتر از آنها می دانسته ودر آن زمان برای خودش هیچگونه ادعائی نداشته و مانند سایر بابیان پیرو شرع باب بوده و او را ترویج می نموده است در این کتاب میرزا حسینعلی، سید باب را بحر البحور و جوهر الجواهر و سلطان السلاطین ومظهر وجود و معبود وجمال ازلی و بحر علم لدنی و نقطه ی وجود و طلعت محمود می دانسته وخودش را نسبت به او عبد یا خادم فانی می شمرده و جانشین باب را میرزایحیی ازل (برادر کوچکتر خودش می دانسته واورا" مصدر امر "نامیده و آن دوره را دوران صبح ازل می شمرده و خود را متشرع به شرع بیان و مطیع میرزا یحیی ازل جلوه می داده است. در صفحه ی ۷۶

می گوید": مقصود از این بیانات واضحه اثبات سلطنت آن سلطان السلاطین بود "ودر صفحه ی ۱۳۹ می گوید": رب اعلی روح ماسواه فداه بخصوص جمیع علمای هر بلدی توقیعی صادر فرمودند "ودر صفحه ی ۷۶ خود را خادم درگاه و خادم فانی و باب را نقطه وجود و طلعت محمود خوانده است. ودر صفحه ی ۱۵۴ می گوید"واین عبد در کمال رضا جان بر کف حاضرم " در همین جا ازل را مصدر امر خوانده و در محل دیگر محبوب و یار پنهانی ومستور جهانی دانسته اگر چه وقتی او را کنار زده و خودش جای باب را گرفت در کتاب بدیع هرچه توانست از سب ولعن و نسبت های ناشایست نثار او کرد.نسبت هایی که لایق اراذل و اوباش است. برخی پژوهشگران نوشته اند از همین دورنگی و تذبذب در عقیده و گفتار می توان ادراک نمود که بهاءالله پیغمبر نیست بلکه یک نفر بشر معتدل و موزون و یک فرد مودب با وجدان هم نیست و گرنه به برادرش این همه حرف زشت نمی زد. در آینده ما از این موضوع هم سخن خواهیم گفت. اما در مورد اغلاط و اختلافات ایقان محقق گرانمایه استاد محیط طباطبائی می فرمایند: ۱- شیخ عبدالسلام آخوند زاده در رساله ی مدافعه و مطالعه خود نه بر مبنای اساسی استدلال ایشان را هدف انتقاد منطقی و کلامی قرار داده ولی به نقاط ایراد لفظی و معنوی از عبارات ایقان نظری نیفکنده است و به میرزا ابوالفضل و خطیب حلبی مجال آن را داده است که یکی از تغافل شیخ بر خود ببالد و دیگری با نقل صد و پنجاه و اندی غلط ادبی گوش مدعی را بمالد. ۲-آقای محمد رضای افضل که ایقان چاپ اصلاح شده ۱۳۱۸ قاهره را مورد مطالعه قرار داده هشتاد و چهار خطای آن را در کتاب مطبوع «فلتات و خطئات» بر شمرده است. ۳-آقای ابوتراب هدائی در چاپ سوم از کتاب «این دین نیست» چهارصد و پنجاه مورد تفاوت یا تصحیح میان یک نسخه ی خطی از کتاب ایقان که در دست داشته با نسخه چاپ اول سر بی قاهره یافته و در برابر هم در جدولی نهاده است. علاوه بر آن در ضمن نقل ده آیه از قرآن کریم تصرفاتی یافته و نوشته است. ۴-عده ای از جوانان فاضل پژوهشگر در تهران از مقابله ی دقیق چاپ اول ایقان با پنج چاپ دیگر جدولی فراهم آورده اند که ۴۸۴ مورد اختلاف را در آن جدول قید کرده اند. ۵-خطیب فاضل آقای حاجی شیخ محمود حلبی علاوه بر نقل جدول اختلافات مزبور، صد و پنجاه و چهار غلط ادبی از متن ایقان بیرون آورده و در کتاب «پژوهش جامع در باره ی ایقان» تألیف خود به تفصیل یاد کرده است. شاید دیگری در ضمن مراجعه تازه ای به موارد دیگری هم بر بخورد. چنان که یکی از دوستان فاضل نویسنده در ضمن مراجعه به آخرین صفحه از چاپ اول وقتی نظری بر عبارت عربی (المنزول من الباء و الهاء» افتاد که در همه ی نسخ خطی و چاپی به همین صورت وارد است بر ذکر کلمه «منزول» به جای «نازل» اعتراضی داشت که در جدول اغلاط ادبی خطیب حلبی هم ذکر شده بود. ولی حذف حرف «الف» از آخر عبارت «الباء و والهاء» را قابل توجیه و تعلیل نمی دانست و می گفت در پایان غالب نسخه های خطی و چاپی ایقان و در کنار آن از دو حرف ب و هـ صورت رقمی امضای میرزا حسینعلی با اعداد ۱۵۲ به چشم می رسد و وجود عدد «۱» در آخر امضا به یادآورنده ی حذف بی جهت «الف» دنباله ی ب و هـ متن کتاب است. اینک دست به دعا برداشته و ازخداوند تبارک و تعالی می طلبیم: ربنا لاـ تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمه انک انت الوهاب. ۲۵ محرم سنه ۱۳۹۸ هجری. (پایان مطالب استاد محیط طباطبائی)

محتوای دو باب ایقان

چنانچه عرض شد درون مایه ی کتاب ایقان، اثبات مظهریت سید باب است وبهاء الله در آن تاریخ خود را تابع و پیرو باب و جانشین او ازل می شمرده است وبرای خویشتن هیچ مقامی قائل نبوده و خود را عبد و خادم فانی و باب را رب اعلی و سلطان السلاطین و میرزا یحیی را مصدر امر و صبح ازلی می نامیده است. برای اثبات مظهریت باب، میرزا حسینعلی روشی خاص را در پیش گرفته است که در ذیل بدان می پردازیم: او دقیقاً عوامل عدم اقبال مردم به باب را شناسائی کرده وبرای آنها چاره اندیشی نموده و راه حل ارائه داده است. او دیده بود عالمان و محققان نخستین مانع گرایش مردم به باب بودند زیرا بی سوادی او را حتی

در ادبیات آشکار می ساختند وتناقض گوئیهایش را نشان می دادند و بطلان ادعاهایش را بر اساس شواهد قرآنی و روائی مبرهن می ساختند وروشنگری می نمودند و مانع گرایش مردم به او می شدند لذا در تمام باب اول از دوباب ایقان طی ۵۸ صفحه چوب را برداشته وبه جان علما افتاده و آنهارا بزرگترین مانع و سد هدایت مردم شمرده و همه ایشان را جاه طلب و دین فروش گفته ازمردم خواسته است اصلاً دنبال عالمان نروند واگر می خواهند به حقیقت وحقانیت باب برسند باید گوش به حرف احدی از علما ندهند و به آنها متمسک نشوند که اگر چنین کنند از درک حقیقت و وصول به سرچشمه ی حیات ومعرفت محجوب و محروم گردند.اگر هم علما شواهدی در رد باب آوردند اصلاً هیچ توجهی به آن نصوص و مطالب معقوله و منقوله در قرآن وروایات فراوان دینی ننمایند که مثلاً ـ قائم موعود را دارای ویژگی هائی شمرده که هیچ کدامش در باب نیست و در این زمینه حتی به ظواهر آیات و روایات هم استناد نکنند و بدون تکیه به هیچ عالم و نص و دلیلی بیایند و حقانیت این ظهور را بپذیرند و فوراً بابی شوند. باب دوم از صفحه ی ۵۸ تا پایان چاره جوئی برای دومین مشکل در سر راه گرایش مردم به باب است و آن همانا صراحت نصوص درباره ی ویژگی های قائم مبنی بر سلطنت آشکار در روی زمین و ظهور عدل و داد و محو ظلم وستم و ایجاد حکومت سراسری توحیدی می باشد.او برای رفع این مشکل حکم داده همه ی این نصوص را باید از حالت ظاهر خارج نموده و معنوی بدانیم.مثلاً سلطنت قائم را ظاهری ندانیم و معنوی بدانیم وآن غلبه و نفوذ در قلوب است که باب هم داشت وعده ای حاضر شدند در راه او کشته شوند. پس سلطنت قائم (یعنی باب) معنوی است نه ظاهری و همین طور سایر آیات و روایات را باید معنوی دانست و از باب انتظار هیچ تغییر ظاهری در اوضاع جهان را نداشته باشید و فوراً به او ایمان آورید.و برای این کار هم به همه آیات و روایات تعرض نموده با سفسطه و مغالطه و تحریف و کم و زیاد کردن، آنها را با مقصود خود همراه کرده است. بدین ترتیب ابتدا رابطه ی فرد را با علم و عالم در باب اول قطع نموده وسپس در باب دوم رابطه اش را با نصوص دینی هم بریده تا طبق آن نصوص از باب انتظار عدل گستری و ظلم بر اندازی از جهان را نداشته باشد و یکسر به حرف او تسلیم شود و فوراً بابی گردد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبِيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه

مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».